

طرح مصر برای بازسازی غزه

برنامه جامع مصر برای بازسازی غزه که در اجلاس اخیر اتحادیه عرب در قاهره «روزمایی» شد، مهم‌ترین طرح کشورهای عربی برای بازسازی غزه است که در این نشست به تصویب رسید. برای اجرای طرح پیشنهادی مصر، ۵۳ میلیارد دلار منابع مالی در نظر گرفته شده است که با هزینه بازسازی غزه تقریباً برابر است. این طرح در سه مرحله و در مدت ۵ سال خواهد بود. مرحله نخست: آوارگان در هفت نقطه غزه از جمله رفح، خان یونس، دیرالبخ و نقاط دیگر اسکان خواهند یافت و در ادامه بیش از ۵۰ میلیون تن آوار و ضایعات و بمب‌های عمل‌نکرده به‌ویژه از شاهراه صلاح‌الدین جمع‌آوری و خنثی خواهد شد. جاده صلاح‌الدین به عنوان کریدور اصلی بازسازی عمل خواهد کرد. برای این مرحله ۶ ماه به‌زمانی و حدود ۳ میلیارد دلار هزینه در نظر گرفته شده است. مرحله دوم و میانی: بازسازی ساختمان‌های آسیب‌دیده آغاز خواهد شد. علاوه بر این ۴۰۰ هزار واحد مسکونی دائمی ساخته شده و زیرساخت‌های اساسی از جمله شبکه آب و برق و مخابرات، بندر، فرودگاه بین‌المللی، شبکه حمل و نقل عمومی، ۲۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی احیا خواهد شد. هزینه تخمینی این مرحله ۲۰ میلیارد دلار برآورد شده است و در مدت ۲ سال به پایان خواهد رسید. مرحله نهایی: پروژه‌های مسکونی تکمیل شده و احداث تأسیسات تجاری و صنعتی به میزان ۶۰۰ هکتار آغاز و در مدت ۲/۵ سال تا سال ۲۰۳۰ پایان خواهد یافت. برای این مرحله ۳۰ میلیارد دلار اختصاص داده خواهد شد. آژانس‌های سازمان ملل، مؤسسات مالی بین‌المللی، کشورهای اهداکننده، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، آژانس‌های توسعه و بانک‌های توسعه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از شرکت‌های چندملیتی و سازمان جامعه مدنی منابع اصلی تأمین مالی بازسازی غزه در طرح پیشنهادی مصر هستند. براساس طرح مصوب اتحادیه عرب، دولتی متشکل از تکنوکرات‌های مستقل فلسطینی تشکیل خواهد شد و یک شورای هدایت و مدیریت بر حکومت موقت غزه نظارت خواهد کرد. مصر و اردن در آموزش پلیس فلسطینی برای برقراری امنیت کمک خواهند کرد. طرح قاهره در مقایسه با طرح دولت ترامپ از نقاط قوت برجسته‌ای برخوردار است، چراکه اولاً تقریباً تمام هزینه‌های بازسازی غزه را تأمین می‌کند، ثانیاً در آن از جابه‌جایی جمعیت به خارج از غزه خبری نیست و به فلسطینیان ساکن غزه که بیش از ۲ میلیون نفر هستند اجازه می‌دهد تا در سرزمین خود باقی بمانند. آلمان، انگلیس، فرانسه و ایتالیا به عنوان چهار کشور مهم اروپایی از طرح قاهره حمایت کرده‌اند. در طرح مذکور که با استقبال حماس مواجه شده است، در مورد اداره غزه بدون حماس موضع مشخصی به میان نیامده و تشکیلات خودگردان فلسطین و آژانس امداد رسانی و کارایی برای آوارگان فلسطینی (آنرو) به عنوان نهاد اصلی برای مدیریت منطقه معرفی شده است. دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی با این طرح مخالفت کرده‌اند. دلیل مخالفت آمریکا و رژیم صهیونیستی با این طرح دقیقاً در نقاط قوت این طرح به‌ویژه جابه‌جاشدن ساکنان غزه به بیرون از آن نهفته است. چراکه در مقابل طرح ترامپ قرار دارد و در آن هیچ نقشی برای آمریکا و رژیم اسرائیل در بازسازی و آینده سیاسی غزه قائل نشده است. آمریکا و رژیم صهیونیستی یک هدف مشخص و مشترک را در غزه دنبال می‌کنند و آن تحمیل یک چارچوب سیاسی، امنیتی و جغرافیایی جدید به غزه است که در آن خبری از حماس و گفتمان مقاومت در غزه نباشد و این منطقه با الیایش جمعیت آن، به‌طور کامل و بنیادین از دایره تهدیدهای نظامی و میدانی و امنیتی علیه رژیم اسرائیل خارج شود. اگرچه اجرای طرح بازسازی غزه به دلیل شرایط خاص سیاسی و امنیتی دارای پیچیدگی‌های مهمی است و با چالش‌های قابل توجه سیاسی و امنیتی (عدم توافق بین‌المللی، مخالفت آمریکا و رژیم اسرائیل و احتمال تداوم تنش‌ها)، مالی (تأمین منابع مالی آن هم در شرایطی که بسیاری از کشورها با مشکلات اقتصادی داخلی مواجه هستند و تحریم‌ها و محدودیت‌های اقتصادی اعمال شده علیه غزه)، اجرایی (زمان‌بندی فشرده و حجم بالای زیرساخت‌های آسیب‌دیده) مواجه است، اما یک طرح جامع، کامل و واحد‌زبانی واقع‌بینانه برای رسیدگی به چالش‌های پیش روی نوار غزه است. هدف آن ایجاد یک غزه مرفه‌تر، با ثبات‌تر و انعطاف‌پذیرتر است که می‌تواند به صلح و امنیت منطقه‌ای کمک کند. با وجود این‌ها، در صورت ادامه درگیری‌ها و تنش‌های نظامی، بازسازی غزه با مشکلات جدی مواجه خواهد شد. هرگونه درگیری جدید می‌تواند دستاوردهای حاصل از بازسازی را از بین ببرد.



هلال خشان

استاد خاورمیانه دانشگاه بیروت

طرح دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده برای تسلط بر غزه و اسکان دائم ساکنان آن، غوغایی را در سراسر جهان عرب برانگیخت. در پاسخ، عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، طرحی جایگزین برای بازسازی غزه بدون جابه‌جایی جمعیت آن ارائه کرد و در عین حال جنگ علیه مردم غزه را محکوم کرد. در نشست اضطراری اتحادیه عرب در هفته گذشته که در قاهره، برگزار شد، رهبران عرب به اتفاق آرا پیشنهاد السیسی را تأیید کردند و حمایت خود را از رویکرد واحد در این موضوع ابراز کردند. به‌عنوان مثال، جوزف عون، رئیس‌جمهور لبنان، گفت که امیدوار است سران کشورهای عربی تصمیمات اتخاذ شده در این نشست را اجرا کنند. اما در واقعیت، السیسی انگیزه دیگری برای سازماندهی این گردهمایی داشت. پس از لغو سفر ماه گذشته خود به واشنگتن، او متوجه شد که دیر یا زود باید به ایالات متحده سفر کند تا با ترامپ در مورد طرح اسکان مجددش برای غزه صحبت کند. السیسی می‌دانست که باید یک پیشنهاد جایگزین ارائه کند؛ پیشنهادی که توسط دیگر رهبران عرب تأیید شده است. بنابراین، خود این اجلاس فرصتی بیش نبود تا طرحی را که اکثر آن را بیپسوده می‌دانند، به پایان برسانند. این نشان از ناکارآمدی فرایند این قالب دارد.

نتیجه ضعیف

طرح ترامپ برای غزه، رهبران عرب را در موقعیتی نامطمئن قرار داد. این مسئله باعث شد آنها در مقابل مردم خود ضعیف به نظر برسند، زیرا می‌دانند که نمی‌توانند به صورت علنی با رد پیشنهاد رئیس‌جمهور ایالات متحده، با آمریکا دشمنی کنند. در عین حال، جابه‌جایی جمعیت غزه یک موضوع بسیار حساس در خاورمیانه است. این اقدام این معاهده مشترک دفاعی و همکاری اقتصادی را که در سال ۱۹۵۰ توسط کشورهای عربی امضا شد، به چالش می‌کشد. علاوه بر این، دادگاه کیفری بین‌المللی می‌تواند آوارگی مردم غزه را جنایت علیه بشریت تلقی کند. بسیاری از ناظران اظهار داشتند که کشورهای عربی باید مواضع قاطع‌تری در این مورد اتخاذ می‌کردند تا اینکه صرفاً توصیه‌هایی عمومی صادر کنند. هفت تن از رهبران عرب ترجیح دادند در اجلاس قاهره شرکت نکنند، حتی پس از آنکه این نشست مطابق با برنامه آنها به تعویق افتاد. محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، محمد بن زاید آل نهیان، رئیس‌جمهور امارات، مشعل الاحمد الجابر امیر کویت، عبدالمجید تبون رئیس‌جمهور الجزایر و سلطان هیثم بن طارق، از غایبان مهم این نشست بودند. غیبت رهبران برخی از ثروتمندترین کشورهای عربی نشان‌دهنده عدم تمایل آنها به امضای طرح مصر برای جلوگیری از خشم ترامپ است. در نهایت، رهبرانی که شرکت کردند نتوانستند تصمیمات عملی اتخاذ کنند و در عوض ترجیح دادند اظهارات ظاهری را تکرار کنند که در انتقاد مستقیم از ترامپ و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، که از عربستان سعودی می‌خواهد یک کشور فلسطینی در خاک خود ایجاد کند، به‌هیچ‌عنوان صراحت ندارد. آنچه ترامپ و نتانیاهو ممکن است درک نکنند این است که پذیرفتن خواسته‌های آنها به‌طور قطع باعث خشم عمومی در مصر و عربستان سعودی می‌شود و این خشم ممکن است آنقدر شدید باشد که رژیم‌های این کشورها نتوانند دوام بیاورند. علاوه بر این، السیسی و بن سلمان، مسئله فلسطین

عکس: AP

نگاه تحلیلی



نشستی

بررسی دلایل شکست نشست اخیر سران

برجسته کرد. در جلسه پایانی، برخی از شورای امنیت سازمان ملل خواستند نیروهای حافظ صلح را در غزه و کرانه باختری مستقر کنند.

نشست‌های سران کشورهای عربی اغلب تحت سلطه افکار واہی و راه‌حل‌های غیرقابل اجرا هستند و نشست قاهره نیز از این قاعده مستثنی نبود. بیانیه پایانی که در پایان این نشست منتشر شد، شبیه قطعنامه‌ای بود که پس از نشست سران اتحادیه عرب در مراکش در سال ۱۹۸۲ به تصویب رسید و تأکید کرد که صلح یک انتخاب استراتژیک برای کشورهای عربی و مبتنی بر راه‌حل دودولتی است. اسرائیل در آن زمان این قطعنامه را رد کرد و اکنون نیز مشابه آن را نخواهد پذیرفت. ایالات متحده نیز این طرح را رد کرد. در بیانیه کاخ سفید آمده است که راه‌حل اعراب به این واقعیت که غزه در حال حاضر غیرقابل سکونت است اشاره نکرده است. در این بیانیه تأکید شده است که ترامپ به پیشنهاد خود برای بازسازی نوار غزه و حذف حماس پایبند خواهد ماند. در همین حال، اسرائیل نیز اعلام کرد که پیشنهادات اجلاس پس از حمله ۷ اکتبر حماس به واقعیت

را به‌عنوان اسب تروا می‌بیند که می‌تواند ایده‌های انقلابی را در میان مردمان بارور کند. در دهه ۱۹۵۰، فلسطینی‌هایی که در صنعت نفت استان شرقی عربستان سعودی کار می‌کردند، از ایدئولوژی‌های کمونیستی و پان عرب حمایت می‌کردند و این ایده‌ها را در بین همکاران سعودی عمدتاً شیعه خود، منتشر کردند.

در اجلاس یک‌روزه هفته گذشته، رهبران عرب امیدوار بودند که چارچوبی امنیتی و سیاسی برای غزه ایجاد کنند که به تشکیلات خودگردان فلسطین قدرت دهد و در عین حال در مورد سرنوشته حماس رویکردی دوگانه داشته باشند. آنها همچنین ایده جابه‌جایی جمعیت غزه را رد کردند و بر اتصال نوار غزه به کرانه باختری و دستیابی به راه‌حل تشکیل دوقشوری، به‌رغم رد مداوم ایده تشکیل دولت فلسطین توسط اسرائیل، اصرار داشتند. با این حال، طرح مصر موضوع شاخه نظامی حماس را مورد توجه قرار داد و بر چیده شدن آن را با حذف دلیل وجود آن یعنی آوارگی فلسطینی‌ها از سال ۱۹۴۸ مرتب‌تأسیست. این طرح نیاز به ایجاد یک روند سیاسی معتبر برای احیای حقوق تاریخی مردم فلسطین را

GPF GEOPOLITICAL FUTURES

نگاه هم‌میهن

خارج به همراه خواهد داشت. پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین منوط به درک این واقعیت است که فدراسیون روسیه به اندازه اتحاد جماهیر شوروی، برای اروپا تهدید محسوب نمی‌شود. حالا که سه سال از حمله روسیه به اوکراین گذشته، شاید بتوان گفت که ارتش روسیه در حمله‌اش به اوکراین عملکرد مایوس‌کننده‌ای داشته است. با این حال، چالش بزرگ دولت ترامپ این است که مجبور است به جنگ ایده‌ها و گفتمان‌های ضدروسی برود که ده‌ها بر روابط ترانس‌آتلانتیک مسلط بوده است و این کار بسیار دشوار است. حتی تحلیلگران نیز مدت‌ها پس از دیدن تغییرها، همچنان به چارچوب‌های نظری خود تعصب دارند و به سختی حاضر می‌شوند در نظریات خود تجدیدنظر کنند.

چالش مهم دیگر برای اقدامات ایالات متحده برای حل مناقشه در اروپا، وابستگی کشورهای اروپایی به رهبری امنیتی ایالات متحده است. درخواست دولت ترامپ مبنی بر اینکه متحدان اروپایی مسئولیت امنیت اروپا را برعهده بگیرند، باعث ایجاد بحران در اروپا شده است. ایجاد یک معماری جدید امنیتی برای اروپا ممکن است سال‌ها طول بکشد. البته به این شرط که کشورهای اروپایی بتوانند به اجماع برسند و منابع مالی لازم برای این معماری جدید را تأمین کنند.

اخیراً، صدراعظم جدید آلمان برنامه‌های خود را برای اصلاح قانون اساسی در راستای رهاشدن از محدودیت‌های مالی در هزینه‌های دفاعی بیش از یک درصد از تولید ناخالص داخلی را اعلام کرد و متعهد شد «هر کاری که لازم باشد» برای دفاع از آلمان انجام خواهد داد. بریتانیا و فرانسه نیز در حال انجام اقدامات مشابه هستند اما تا زمانی که اروپا

نگاه هم‌میهن

چالش واشنگتن در اروپا و خاورمیانه

دولت ترامپ در پیشبرد اهداف خود در اروپا و خاورمیانه موانع و محدودیت‌هایی دارد

به موضوعات داخلی آمریکا مربوط می‌شد اما او به چند تغییر اساسی که قرار است در سیاست‌خارجی دولتش ایجاد کند نیز اشاره کرد. ترامپ به‌طور خاصی به تصمیم قاطعش برای پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین و درگیری‌ها در خاورمیانه اشاره کرد. ترامپ دریافت نامه‌ای از رئیس‌جمهور ولودیمیر زلنسکی را تأیید کرد که در آن رهبر اوکراین از بحث و جدل روز ۲۸ فوریه در دفتر بیضی شکل کاخ سفید ابراز تأسف کرده و آمادگی خود را برای ورود به گفت‌وگوهای صلح اعلام کرده است. در مورد خاورمیانه، ترامپ به توافقنامه ابراهام که در اولین دوره ریاست‌جمهوری‌اش معرفی شد اشاره کرد و این توافق را پایه و اساس تلاش‌های دولتش برای ایجاد «آینده‌ای صلح‌آمیزتر و مرفه برای کل منطقه» خواند.

اگر بخواهیم اظهارات شفاهی و علنی ترامپ را کنار بگذاریم، باید گفت که عملی کردن این دو هدف، با پیچیدگی‌های دیپلماتیک همراه است. نکته جالب این است که هم ترامپ و هم مارکو رابینو، وزیر خارجه ترامپ به عدم اطمینان صددرصدی نسبت به موفقیت اعتراف کرده‌اند اما در عین حال تأکید کردند که متعهد هستند مذاکرات را ادامه دهند. دیپلماسی، یعنی سازش و سازش همیشه خطراتی هم در داخل و هم در



آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل

نظام بین‌الملل بیش از سه دهه است که دستخوش تغییر و تحول بوده است اما ایالات متحده آمریکا برای مدیریت این تغییرات بر ابزارها و استراتژی‌های قدیمی تکیه کرده بود. حالا دولت دوم ترامپ قصد دارد با استفاده از رویکردهای جدیدی به تغییرات نظم جهانی قدیمی پاسخ دهد. این تصمیم و اجرای آن بسیاری را در داخل آمریکا و سراسر جهان، نگران کرده است. تغییری به این بزرگی به‌طور طبیعی در دل خود بی‌نظمی و آشوب به همراه می‌آورد اما نکته مهم این است که هرچند واشنگتن با توجه به الزامات سیاسی و ژئوپلیتیکی فعلی جهان، مسیر خود را به پیش می‌راند، محدودیت‌هایی وجود دارند که اگرچه نادیده انگاشته می‌شوند اما اثری تعیین‌کننده در سرعت و میزان موفقیت سیاست‌های دولت ترامپ بر جای خواهند گذاشت. اخیراً دونالد ترامپ در کنفرانس آمریکا، سخنرانی کرد. سخنان او عمدتاً